

Conflict of Law Rules Analysis on Security Interests of Patent Rights and Trade Marks

- Abbas Ahadzadeh** | Ph.D. Student in Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
- Nejad Ali Almasi*** | Full Professor of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran
- Saeed Habiba** | Full Professor of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Patent rights and trade marks are potentially substantial assets to invest in various fields of developing industries. Article 1(d) Foreign Investment Promotion and Protection Act ratified by the Iranian parliament in 2002 refers to those rights that could be the subject of foreign investment agreements in Iran. The question is that if there was an international factor in a security contract of a patent right, what conflict of law rule within the framework of well-known methods could achieve a definitive and predictable solution. It seems that if there is neither a mutual agreement nor, due to financial reasons, the most closely connecting factor to a security contract of a patent right other than the one referred to the Article 968 of the Iranian Civil Code, then merely recourse to the legal methods to resolve conflict of laws could be problematic. As a governing law on security interests in patent rights, this article attempts to propose a method of the conflict of law rule corresponded to fundamental features of intellectual property rights by referring to the classical rules of conflict of laws, fundamental economic features of security interests in intellectual property rights and recent international approaches, particularly, the UNCITRAL legislative guide of secured transactions.

Keywords: Industrial Property Rights, Security Interests Contract, Party Autonomy Principle, Choice of Law, Lex Fori, Economic Interests Analysis.

* Corresponding Author: nalmasi@ut.ac.ir

تحلیلی بر قواعد حل تعارض قوانین رهن حق اختراع و علائم تجاری

عباس احدزاده* | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

نجماد علی الماسی | استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سعید حبیبیا | استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

حق اختراع و علائم تجاری غیرمشهور، دارای بالقوه برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف، به‌خصوص برای تأمین سرمایه در توسعه صنایع محسوب می‌شوند. بند ۳ ماده ۱ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران، از این حقوق، به‌عنوان کالای سرمایه‌ای یاد می‌کند که می‌تواند موضوع قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرند. مسئله این است که با دخالت عنصر خارجی در قرارداد رهن حق اختراع، چه قاعده‌ای امکان دست‌یابی به راه‌حل قابل پیش‌بینی و قطعی در چارچوب روش‌های شناخته شده حل تعارض قوانین حقوق بین‌الملل خصوصی را میسر می‌نماید؟ به نظر اگر قانون حاکم بر قرارداد، با توافق طرفین تعیین نشده باشد و یا نزدیک‌ترین عامل ارتباطی به قرارداد رهن حق اختراع، به دلایل اقتصادی غیر از عاملی باشد که در ماده ۹۶۸ قانون مدنی ذکر شده است، آنگاه اتکا به صرف روش حقوقی برای تعیین قانون حاکم، کارآمد نخواهد بود. در این مقاله کوشش می‌شود با اشاره به ویژگی خاص اقتصادی رهن اموال فکری و رویکردهای بین‌المللی اخیر به‌ویژه راهنمای قانون‌گذاری آنستیرال، برای تعیین قانون حاکم بر قرارداد رهن حق اختراع، روشی را برای حل تعارض پیشنهاد کنیم که با ویژگی‌های مبنایی حقوق مالکیت فکری نیز مطابقت داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق مالکیت صنعتی، قرارداد رهن، اصل حاکمیت اراده، قانون منتخب طرفین، قانون مقر دادگاه، تحلیل منافع اقتصادی.

مقدمه

به طور سنتی، در فرایند حل تعارض قوانین اصولاً با استفاده از یکی از دو روش حقوقی و روش اصولی، قانون حاکم بر دعوی تعیین می‌گردد.^۱ نظام حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، برای حل تعارض قوانین قراردادی گرایش به روش حقوقی برای حل تعارض قوانین در قراردادها دارد؛ یعنی مقام رسیدگی‌کننده به اختلاف^۲ با تحلیل رابطه حقوقی، مرکز ثقل مادی قرارداد را از نظر مکانی، تعیین می‌کند و صرف نظر از اینکه تعصبی نسبت به خصوصیت طرفین دعوی داشته باشد یا صرف نظر از اینکه خود را درگیر خط‌مشی راهبردی قانون‌گذار در وضع قواعد شکلی و ماهوی موضوع دعوی بنماید، بر اساس معیار عینی «محل انعقاد قرارداد» قانون حاکم را در موضعی بی‌طرفانه، بر قرارداد اعمال می‌کند. دیدگاه قانون‌گذار در وضع قاعده حل تعارض مندرج در ماده ۹۶۸ قانون مدنی بر اساس رعایت سه اصل بی‌طرفی، قابل پیش‌بینی بودن و قطعیت حقوقی، سازگار با مبنای تاریخی و فلسفی قواعد حل تعارض قوانین می‌باشد و از این حیث ستودنی است؛ اما با گذشت زمان این دیدگاه، مورد بازبینی قرار نگرفته است و به دلیل برخورداری از نگاهی یک‌سویه بر مسأله قواعد حل تعارض، انعطاف‌ناپذیری خود را در برابر موضوعات جدیدی چون حقوق مالکیت فکری، بیمه مسئولیت مدنی و قواعد حقوق رقابت همچنان حفظ کرده

۱. الماسی، نجادعلی، «حقوق بین‌الملل خصوصی»، چاپ سوم، (۱۳۸۴)، تهران: نشر میزان، ص ۵۱.
 ۲. مقام رسیدگی‌کننده به اختلاف، می‌تواند دادگاه باشد یا داور مرضی‌الطرفین؛ البته تعهدات قراردادی حقوق مالکیت فکری، از قاعده کلی ارجاع اختلافات به داوری تبعیت می‌کنند و ارجاع آن به داوری با مانع قانونی و محدودیت‌های مبتنی بر نظم عمومی ملی (آن‌طور که ادعا شده است) مواجه نمی‌باشد. اگرچه مواد ۵۹ و ۶۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۳ (قانون ثبت اختراعات)، رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرا قانون و آیین‌نامه اجرایی آن را در صلاحیت شعب خاصی از محاکم عمومی (حقوقی و کیفری) تهران دانسته است، اما این مواد به هیچ وجه مفهوم سلبی ندارد و مانع از آن نیست که طرفین قرارداد نتوانند در ارجاع اختلافات خود به داوری، تراضی کنند (بهمنی، محمدعلی و شیخ عطار، حسنی، «قابلیت داوری دعاوی حقوق مالکیت فکری نیازمند ثبت»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۸۵، بهار- تابستان ۱۳۹۷، ص ۵۸). حتی به نظر می‌رسد اختلافات مبتنی بر مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری، قابل ارجاع به داوری هستند. با این وجود، برخی از حقوقدانان در قابلیت رسیدگی دعاوی حقوق مالکیت فکری از طریق داوری، قائل به محدودیت‌های مبتنی بر نظم عمومی ملی شده‌اند و ارجاع اختلافات ناشی از حقوق مالکیت فکری به داوری را مورد تردید قرار داده‌اند؛ (جنیدی، لعیا: «قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی»، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، «۱۳۷۶»، ص ۵۸-۵۹).

است و از این منظر، مورد انتقاد می‌باشد. حتی می‌توان گفت به لحاظ ضروریات و مقتضیات کنونی عصر حاضر، نیازمند بازبینی جدی است. هیچ یک از روش‌های تفسیر حل تعارض قوانین بخصوص در قراردادها، راه‌حل مطلق نیستند.^۱

توسل صرف به روش حقوقی برای حل تعارض قوانین در قراردادهایی مانند لیسانس حق اختراع، علامت تجاری یا واگذاری حقوق ناشی از اختراع یا علامت تجاری مشکلات حل تعارض قوانین را سخت‌تر و حتی پیچیده‌تر می‌کند؛ بلکه دادرسی در توسل به روش حل تعارض قوانین، باید به ماهیت روابط حقوقی توجه کند.^۲ قاعده حل تعارض در حقوقی که قواعد ماهوی آن متکی بر سیاست‌های صنعتی و توسعه فرهنگی هر کشوری است و حمایت از حقوق پدیدآورنده مبتنی بر ملاحظات نفع عمومی است^۳، باید از انعطاف برخوردار باشد. از سوی دیگر این قاعده حل تعارض باید دست دادرسی را باز بگذارد که بتواند با در نظر گرفتن تمام اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد از جمله خط‌مشی‌های راهبردی قانون مقرر دادگاه و سایر ویژگی‌های مربوط به حقوق مالکیت فکری، قانونی را حاکم بداند که با عدالت (معاوضی و توزیعی) سازگار باشد. در نظام حقوق مالکیت فکری، با حمایت از اعطای حق انحصاری پدیدآورنده، منافع خصوصی اشخاص تأمین می‌شود (عدالت معاوضی) و از سوی دیگر، نفع عمومی جامعه با حداکثرسازی دسترسی عمومی به اطلاعات از طریق الزام مخترع به افشاء اطلاعات، ایجاد معافیت‌ها و استثنائات، صدور مجوزهای اجباری و تنظیم رقابت عادلانه که به کمک قواعد حقوق رقابت برقرار می‌شود، عدالت توزیعی تأمین می‌گردد.

قواعد سنتی حل تعارض قوانینی که عمدتاً در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و اکثر کشورها، پایه‌ریزی شده‌اند، به تأمین عدالت خصوصی اشخاص درگیر در مسئله توجه دارند و عملاً برای برقراری عدالت توزیعی، وضع نشده‌اند و نباید انتظار داشت که قواعد حل تعارض سنتی که تمایل به تحقق عدالت معاوضی دارند، بر

۱. ایرانپور، فرهاد، «نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی: تحول از نظام‌های حقوق ملی به سوی نظام حقوق فراملی»، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، (۱۳۹۰)، ص ۶۸.

۲. ایرانپور، همان، ص ۶۸.

۳. ایرانپور، فرهاد، «اهلیت تمتع خارجی‌ها در حوزه حقوق برآفرینش‌های فکری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۴، (۱۳۹۱)، ص ۴۳.

مسائلی که در محوریت عدالت توزیعی قرار دارند، اعمال گردند^۱. از این رو قواعد حل تعارض قوانین در تماس با حقوق مالکیت فکری، با این چالش مواجه می‌شوند که چطور می‌خواهد انتظارات عدالت توزیعی مقرر دادگاه را برآورده نماید. به نظر قاعده حل تعارض «محل انعقاد قرارداد» در برآورده ساختن این انتظارات با کاستی مواجه شود. مسئله این است که دریابیم با دخالت عنصر خارجی در یک قرارداد رهن حق اختراع، چه قاعده‌ای امکان دست‌یابی به راه حل قطعی، قابل پیش‌بینی و بی‌طرفانه را در چارچوب روش‌های شناخته‌شده حل تعارض قوانین حقوق بین‌الملل خصوصی، میسر می‌نماید؟ رهن حق اختراع و یا علامت تجاری به عنوان یکی از قراردادهای مهم تجاری، در تأمین سرمایه برای تجاری‌سازی اختراعات یا تولید محصولات جدید با علامت تجاری ثبت شده، بسیار شایع و رایج است. به عنوان یک قرارداد تجاری بین‌المللی، تعیین قانون حاکم بر قرارداد در فروض مختلفی چون توافق اراده‌های طرفین و سکوت متعاملین می‌تواند از این جهت اهمیت بررسی را بیشتر کند که فضای قانونی برای پذیرش رهن اموال فکری دست کم در اختراعات و علائم تجاری مبهم باشد و یا قواعد سنتی حل تعارض قوانین با رویکردی ساوینی محور درصدد باشد که قانون حاکم بر قرارداد رهن یک حق اختراع را تعیین نماید.

فرض بر این است که اگر قانون حاکم بر قرارداد، با توافق طرفین تعیین نشده باشد و یا نزدیک‌ترین عامل ارتباطی به قرارداد رهن حقوق مالکیت صنعتی، به دلایل اقتصادی غیر از عاملی باشد که در ماده ۹۶۸ قانون مدنی ذکر شده است، آنگاه اتکا صرف روش حقوقی صرف برای تعیین قانون حاکم کارآمد نخواهد بود. در واقع، آنچه قراردادهای رهن حق اختراع و علائم تجاری غیرمشهور را از عامل ارتباطی محل انعقاد قرارداد در حقوق قراردادهای متمایز می‌سازد، ملاحظات عمدتاً حقوق اقتصادی است که می‌تواند در یافتن عامل ارتباطی مؤثر در فرایند قانون حاکم بر قرارداد مؤثر باشد. برای مثال از آنجایی که احتمال می‌رود در جریان قرارداد، رهن ورشکسته شود و اجرای قرارداد، تابع مقررات آمره ورشکستگی محل سکونت عادی وی قرار گیرد، عامل ارتباطی محل سکونت عادی رهن، بتواند یک راه حل مناسب تری نسبت به محل انعقاد قرارداد باشد. نکته مهم دیگری

1. Bagheri, Mahmood, Nakajima, Chizu, "The private international law of securities transactions: a socio-economic analysis", *The Company Lawyer*, Vol. 23, No.1. (2002), p.17.

که باید خاطر نشان شود این است که قلمرو قانون حاکم در قراردادهای رهن حق اختراع تا چه محدوده‌ای قابلیت اعمال دارند. برای نمونه، آیا قانون حاکم بر تعهدات قراردادی ناشی از رهن اموال فکری مانند توافق طرفین بر نحوه پرداخت حق امتیاز مرتهن، عدم امکان ترهین مجدد بدون رضایت مرتهن، اجازه مرتهن به تعقیب و طرح دعوی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق راهن و مواردی از این قبیل تابع همان قانون حاکمی خواهد بود که بر مسأله «وجود، اعتبار و قلمرو» حق اختراع و یا علانم تجاری غیر مشهور موضوع قرارداد رهن حاکم است؟ به نظر باید با در نظر گرفتن سابقه تاریخی قواعد حل تعارض قوانین و مبنای فلسفی حقوق مالکیت فکری و بررسی رویکردهای بین المللی به ویژه سند پیشنهادی آنسیترال، مشخص شود که اولاً به چه روشی قاعده حل تعارض باید تعیین شود و دوماً چه رویکردی اتخاذ شود که بتواند با خود، ملاحظات فوق را در تعیین قانون حاکم بر قرارداد رهن حق اختراع و یا علامت تجاری غیر مشهور به همراه داشته باشد؟

۱. ویژگی خاص قواعد حقوق مالکیت فکری در فرایند حل تعارض قوانین

حقوق مالکیت فکری از ویژگی‌های خاصی به نسبت سایر حقوق مالی برخوردار است. از آنجایی که این حقوق پایگاه مادی و ملموس ندارند، در مقایسه با اموال مادی و ملموسی مانند اتومبیل و اسباب و اثاثیه خانه و کارخانه و یا ساختمان و ابنیه به اموال غیر مادی شهرت دارند. این گونه حقوق، به دلیل آنکه واجد مالیت و ارزش اقتصادی هستند، در امکان معامله آن‌ها نباید تردید کرد. حتی گفته شده است که این گونه اموال در دسته اموال منقول قابل بازداشت هستند.^۱ از منظر حقوق بین الملل خصوصی توجه به این نکته حائز اهمیت است که بدانیم این حقوق به دلیل فقدان مرکزیت ثقل مادی چگونه عینیت می‌یابند و ضرورتاً تفکیک میان حقوق مالکیت صنعتی از حقوق مالکیت ادبی - هنری اهمیت به سزایی دارد. از طرف دیگر، باید مشخص شود قراردادهایی که برای ترهین حقوقی چون اختراع و یا علامت تجاری منعقد می‌شوند با کدام عامل ارتباطی نزدیک‌ترین و مهم‌ترین ارتباط را برقرار می‌کنند.^۲ اعتبار حقوق مالکیت صنعتی بر خلاف حقوق مالکیت ادبی -

۱. شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۸، ش ۷۷۱.

۲. شیروی، عبدالحسین و پنداشته‌پور، محمدرضا، «عامل ارتباط در شناسایی قانون حاکم بر قراردادهای اموال فکری»،

مجله حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران، دوره ۱۲، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۴، ص ۵-۱۸.

هنری، منوط به رعایت تشریفات ثبت در اداره مالکیت صنعتی هر کشوری است که درخواست حمایت از آن‌ها می‌شود. حقوق مالکیت ادبی-هنری غالباً به محض خلق اثر مورد حمایت واقع می‌شود و نیازمند رعایت تشریفات خاصی نیستند. به همین دلیل در حقوق مالکیت صنعتی مانند اختراع و علائم تجاری (غیرمشهور)، حقوق انحصاری مالکانه مخترع یا صاحب علامت به محض ثبت مورد حمایت قرار می‌گیرد و می‌توان محل ثبت این حقوق را به عنوان یک عامل ارتباطی، معیاری عینی برای تعیین قانون حاکم در فضای بین‌الملل خصوصی در نظر بگیریم. البته خاطر نشان می‌شود که لزوم رعایت تشریفات الزام آور برای جلب حمایت در هر کشوری مبتنی بر اصل سرزمینی بودن حمایت از حقوق مالکیت فکری است و این حقوق ارتباط مستقیم با منافع عمومی کشور مورد درخواست حمایت دارد.^۱

در واقع، نوع حمایت و کیفیت و میزان حمایت می‌تواند بسته به سیاست‌های تقنینی هر کشوری کم یا زیاد شود و این یک مسأله حاکمیتی است.^۲ از این منظر است که هر کشوری حتی برای کنترل این حقوق انحصاری و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، محدودیت‌هایی را به کمک قواعد عمومی حقوق رقابت ایجاد می‌کنند که نشان می‌دهد این حقوق در مقایسه با اموال منقول و غیرمنقول مادی تنها یک حق مالی خصوصی نیست. از این منظر می‌توان در مقام حل تعارض قوانین ولو حوزه قراردادی، تحلیل و ارزیابی منافع عمومی کشور مقرر دادگاه را به عنوان یک عامل ارتباطی مهم در نظر گرفت. این مسئله را می‌توان از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، مورد توجه قرارداد تا درک درستی از اعطای حق انحصاری مالکانه و لزوم تحدید این حقوق به کمک قواعد حقوق رقابت داشته باشیم. دخالت دولت در اعطای حقوق انحصاری، محدود به زمان معین به مالک اختراع یا علامت تجاری و تدوین سیاست‌های رقابت عادلانه در قالب قواعد آمره حقوق رقابت به خاطر تأمین نفع حداکثری جامعه است، در غیر این صورت از دیدگاه طرفداران حقوق طبیعی، ایجاد محدودیت در

۱. اکثر قواعد شکلی و ماهوی حقوق مالکیت فکری با توجه به اصل سرزمینی بودن حق مانند مواد ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۷ قانون ثبت اختراعات، آمره و مرتبط با خط‌مشی‌های راهبردی قانون‌گذار برای حمایت از حقوق مالکیت فکری در قلمرو سرزمینی ایران می‌باشند.

۲. باقری، محمود و احدزاده، عباس، «قابلیت اعمال تئوری تحلیل منافع عمومی در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، مجله، دوره ۴۴، شماره ۲، ۱۳۹۳، صص ۱۴۰-۱۴۱.

مالکیت اشخاص با حق طبیعی برخوردار از مالکیت نامحدود، انحصاری و مطلق بر مال منافات دارد؛^۱ زیرا نفع خصوصی مالک اختراع، اقتضاء می‌کند بدون محدودیت با هر شخصی و با هر مبلغی که تعیین می‌کند بتواند با هر شرایطی حقوقش را به دیگری واگذار کند؛ درحالی که تأمین نفع حداکثری جامعه باعث می‌شود میان نفع خصوصی مالک حق و نفع عمومی جامعه تعادل برقرار شود. الزام مالک اختراع به اعطای مجوز اجباری در سایه مقررات آمره قانونی این ادعا را ثابت می‌کند که مبنای اعطای حق انحصاری مالکانه به مالک اختراع یا علامت تجاری را باید در تفکرات اقتصادی فایده‌گرایانه دنبال کرد نه مبانی فلسفی حقوق طبیعی؛^۲ زیرا اجبار قانونی صاحب اختراع به اعطای حقوق انحصاری‌اش در قالب یک قرارداد لیسانس اجباری به غیر، با مبانی اصل آزادی قراردادها منافات دارد و تنها می‌توان از نگاه ابزارگرایانه مکتب فایده‌گرایان چنین الزامی را با هدف تأمین بیشترین سود و تحمیل کمترین هزینه معاملاتی برای جامعه توجیه نمود. در این صورت نیز باید دید فایده اقتصادی و اجتماعی قاعده حل تعارض قوانین در قراردادهای رهن اموال فکری در چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند. اگر قاعده حل تعارض قوانین با انطباق بر سیاست‌های تقنینی قواعد ماهوی حقوق مالکیت فکری مقرر دادگاه، نفع حداکثری جامعه را تأمین کند، در آن صورت قاعده مذکور مفید و سودمند خواهد بود.^۳

با چنین طرز تلقی به نظر می‌رسد نگاه به سیاست‌های نهفته در پس قوانین ماهوی اعطای حقوق، در دست‌یابی به قواعد حل تعارض ضروری است. از نظر ضرورت حفظ تعادل میان منافع اشخاص حقوق خصوصی و نفع عمومی جامعه در یک رابطه حقوقی دارای ماهیت دوگانه خصوصی و عمومی، لازم می‌آید که دادگاه در مقام تعیین قانون مناسب، با اتکا به روش حقوقی صرف قادر به انجام درست تکالیف خود نباشد. از سوی دیگر، حقوق مالکیت فکری کشورها تحت تأثیر قواعد الزام‌آور کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند و از آنجایی که مقررات موافقتنامه تریپس^۴، رعایت مقررات خاصی از کنوانسیون‌های برن و پاریس را برای کشورها الزام‌آور ساخته است، نشان می‌دهد که این حقوق وارد قلمرو حقوق عمومی شده

۱. حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۵.

۲. حکمت‌نیا، همان، صص ۲۵۹-۲۶۰.

۳. انصاری، مهدی، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاودانه (جنگل)، ۱۳۹۳، ص ۲۴۷.

4. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights

است؛ زیرا موضوع مطالعه کنوانسیون‌های بین‌المللی، حقوق خصوصی نیست؛ بنابراین حتی کشورهایایی که عضو کنوانسیون‌های خاص نمی‌باشند با تأثیرپذیری از این هنجارهای بین‌المللی مانند اصل رفتار ملی^۱ و رعایت حداقل حمایت، می‌توانند از صاحبان حق تحت یک حق مکتسبه مشروع حمایت نمایند.^۲ با توجه به این تحلیل، به سادگی نمی‌توان گفت که با اتکا به روش حقوقی، قانون مناسب در قراردادهای رهن حقوق مالکیت صنعتی قابل تعیین باشد؛ زیرا ملاحظات اقتصادی حقوقی در رهن اموال فکری و سیاست‌های تقنینی قانون‌گذار در وضع قواعد برای حمایت از نفع خصوصی و نفع عمومی، به‌عنوان عامل ارتباطی مهم در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای رهن حقوق مالکیت صنعتی می‌تواند در به‌کارگیری روش اصولی برای حل تعارض قوانین رهن حق اختراع و علائم تجاری مؤثر باشد.

۲. رویکردهای بین‌المللی اخیر در قانون حاکم بر قراردادهای رهن حقوق مالکیت صنعتی

۲.۱. توجیه صحت رهن حقوق مالکیت فکری

در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار در ماده ۷۷۴ قانون مدنی، به تبعیت از نظر مشهور فقها امامیه^۳، رهن غیر اعیان (دین و منفعت) را باطل می‌داند و در خصوص امکان ترهین حقوق مالی مانند حق اختراع و حق تألیف موضع شفافیت ندارد. به دلیل همین سکوت، برخی از صاحب‌نظران با

1. National Treatment Principle

۲. الماسی، نجادعلی و احدزاده، عباس، «نقش اصول بین‌المللی حمایت از مالکیت فکری برای انتخاب قانون حاکم بر نقض حق مالکیت فکری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۶، شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۳۶۸.

۳. حلی، ابی طالب محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر (فخر المحققین)، «یضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد»، چاپ اول، جلد دوم، تحقیق: کرمانی و اشتهاوردی و بروجردی، طبع بامر، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰؛ قمی سبزواری، علی بن محمد بن محمد، «جامع الخلاف والوفاق»، چاپ اول، تحقیق: شیخ حسین حسینی بیرجندی، قم: زمینه‌سازان ظهور امام عصر، ۱۳۷۹، ۲۹۲؛ کرکی، ابوالحسن علی بن حسین (محقق ثانی)، «جامع المقاصد فی شرح القواعد»، چاپ اول، بیروت: موسسه آل‌البتیة الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۲۷۴؛ بجنوردی، سید محمد حسین، «القواعد الفقهیه»، چاپ اول، جلد ششم، تحقیق: مهدی مهریزی و محمد حسین درآینی، قم: هادی، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۱.

استنباط از مواد ۷۷۲ و ۷۷۴ قانون مدنی در ترهین اموال غیرمادی اظهار تردید کرده‌اند؛^۱ زیرا این گونه دارایی‌ها به تعبیری در زمره «اعیان» نیستند و به‌طور «مادی» قابل قبض نمی‌باشند. در نتیجه مالی را که نتوان به قبض مرتهن داد، قابل ترهین نیست، لیکن مصحلت اقتضاء می‌کند که در مقام توجیه صحت رهن اموال فکری، از ظاهر ماده ۷۷۲ قانون مدنی گذر کرده و اجازه نداد که با اعمال ظاهر قانون، یکی از بارزترین دارایی‌ها از چرخه اقتصاد کشور حذف شود. امروزه بخش اعظمی از تولید ناخالص ملی کشورهای توسعه‌یافته را دارایی‌های فکری تشکیل می‌دهند و قطعاً حذف این دارایی‌ها از چرخه اقتصادی کشور به نفع هیچ‌کسی نیست. از این رو بسیاری دیگر از حقوقدانان کوشش کرده‌اند تا این نقیصه قانون مدنی را با نگاهی واقع‌بینانه به مسئله، برطرف نمایند.^۲

به نظر می‌رسد روح حاکم بر ضرورت قبض مال مرهون، حصول اطمینان از وصول طلب از محل وثیقه است و الزاماً داشتن وجود مادی و ملموس (عینی بودن) مال مرهون ویژگی خاص آن در عقد رهن نمی‌باشد؛ کما اینکه برخی از فقها با تمسک بر اصل عدم و عموم آیه شریفه «اوفوا بالعقود» بر این نظرند که منطبق اصلی روایت منقول از معصوم برای قبض مال مرهون، به خاطر در سفر بودن راهن و مرتهن است و قبض را شرط صحت عقد نمی‌دانند.^۳ پس اگر در رهن اموال فکری از طریق ثبت قرارداد در مرجع رسمی این

۱. کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۳ (عقود اذنی، وثیقه‌های دین)، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴، ش ۳۵۳؛ امامی،

سیدحسن، حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ دهم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۰.

۲. حبیبی، سعید و شعبانی کندسری، هادی، «بازپژوهشی نقش قبض در وضعیت رهن؛ مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه»، آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۴، پاییز- زمستان ۱۳۹۵، صص ۹۹-۱۲۲؛ اخلاقی، بهروز، «بختی پیرامون توثیق اسناد تجاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۴، ۱۳۶۸، صص ۲۳-۱؛ کریمی، عباس و معین الاسلام، محمد، «رهن اموال فکری»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۲، (۱۳۸۷)، صص ۳۱۵-۳۲۴؛ محمودی، اصغر، «رهن اموال فکری در پرتو مقررات قانون مدنی و مطالعه تطبیقی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۱۵۷-۱۷۲.

۳. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، «حاشیه شرائع الاسلام»، جلد اول، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۴۲۲، ص ۳۹۵؛ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، «المبسوط فی فقه الامامیه»، تحقیق: سید محمد تقی کشفی، نشر المکتبه المرتضیه لاحیا الاثار الجعفریه، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۷، صص ۱۹۶-۱۹۹ و «عقد الرهن یفتقر الی ایجاب و قبول و قبض برضاء الراهن و لیس بواجب...» و «عقد الرهن لیس بلازم و لایجبر الراهن علی تسلیم الرهن فان سلم باختیاره لزم بالتسلیم و الاولی ان نقول: یجب بالایجاب و القبول...» و «اذا مات المرتهن قبل قبض الرهن لم ینفسخ الرهن... و اذا مات الراهن فلا ینفسخ الرهن ایضاً...».

اطمینان خاطر برای مرتهن حاصل شود که می‌تواند از محل قرارداد ثبت‌شده، حقوق خود را استیفا کند، چه اشکالی باید در ترهین آن وجود داشته باشد. از سوی دیگر، تعبیر «عین» به «اصل مال» در مال مرهونه، باعث اعتبار بخشیده شدن رهن حقوق مالی چون حق اختراع، حق تألیف و حتی اوراق بهادار می‌شود^۱ و با وحدت ملاک ماده ۳۶۹ قانون مدنی تسلیم مال حسب مورد به کیفیات مختلفه است و ملاک قبض عرفی است. کما اینکه در میان فقها نیز قاعده عقلی «قبض کل شیء بحسبه» پذیرفته شده است و به نظر می‌تواند مبنایی برای صحت رهن دیون هم باشد.^۲ هرچند ممکن است برخی به این استدلال ایراد وارد کنند که چنین تعبیری اجتهاد در برابر نص است؛ لیکن تا قبل از اصلاح قانون مدنی، مزیت عمده چنین تعبیری، جلوگیری از معطل ماندن و بی‌فایده شدن چنین دارایی باارزشی است.^۳ البته در رد اشکال وارده می‌توان این‌طور نیز پاسخ داد که در نظام حقوقی ایران، توثیق اموال غیرمادی، دست کم در سهام مدیران در شرکت‌های سهامی طبق ماده ۱۱۴ لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت و نیز قسمت دوم تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شناسایی و به رسمیت شناخته شده است. باین حال در اکثریت قریب به اتفاق قوانین کشورهای پیشرفته رهن اموال فکری به‌عنوان یک دارایی باارزش برای تأمین سرمایه پذیرفته شده است و حتی قانون‌گذار مصر با پذیرش رهن اموال فکری، در مواد ۲۱ و ۸۷ قانون مالکیت فکری، جواز رهن اموال فکری را صادر نموده است.

۱. کریمی و معین الاسلام، پیشین، ص ۳۱۸.

۲. نجفی، محمدحسن بن باقر، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، چاپ هفتم، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱، ج ۱۱:۲۵؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، «فی شرح اللمعه الدمشقیه»، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۱، ج ۶۶، ۴؛ حسینی سیستانی، سید علی، «منهاج الصالحین»، چاپ اول، جلد دوم، قم: مکتبه آیه اله العظمی سید علی حسینی سیستانی، ۱۴۱۶، ج ۲:۲۸۸؛ موسوی خمینی، سید روح اله، «تحریر الوسیله»، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲:۵۱۳.

۳. سلطانی، محمد و اخوان هزاوه، حامد، «ماهیت و قواعد حقوقی توثیق سهام»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۷، سال پنجم، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰.

۲-۲. ضرورت تفکیک «تعهدات قراردادی» از «اعتبار، وجود و قلمرو» حقوق مالکیت صنعتی

به طور کلی در حوزه قراردادی اموال فکری، رویه قضایی کشورهای انگلستان^۱ و ایالات متحده آمریکا^۲ و قوانین بین الملل خصوصی کشورها میان دو موضوع مهم تفکیک قائل هستند. به عبارت دیگر، در قراردادهای حقوق مالکیت صنعتی که رایج ترین آن ها قرارداد لیسانس (انحصاری و غیر انحصاری)^۳ و قرارداد واگذاری^۴ است، به پیروی از اصل سرزمینی بودن حق، از نظر ماهوی یک قانون واحد نمی تواند بر موضوع «وجود، اعتبار و قلمرو» حقوق مالکیت صنعتی و «تعهدات قراردادی»^۵ اعمال گردد. در مسأله قابلیت داوری حقوق مالکیت فکری ثبت شده، تفکیک میان تعهدات قراردادی از موضوع «اعتبار و وجود» مورد تأکید قرار گرفته است.^۶ علاوه بر این، رویکردهای جدید بین المللی که در مقررات پیشنهادی مؤسسات بین المللی معتبر اتخاذ شده است، این طرز تلقی را تأیید می کند. موسسه حقوق آمریکا موسوم به (ای ال آی)^۷ موضوع قابلیت انتقال حقوق مالکیت فکری را از مسائل قراردادی ناشی از انتقال مالکیت و لیسانس حقوق مالکیت فکری به ترتیب در مواد ۳۱۴ و ۳۱۵ تابع قانون مجزایی می داند. در اصول تعارض قوانین گروه اروپایی ماکس پلانک^۸ هم در ماده ۳:۱۰۲ به صراحت به تأسی از مقررات کنوانسیون

1. Campbell Connelly & Co Ltd v Noble [1963] 1 All ER 237, [1963] 1 WLR 252.

2. Corcovado Music Corp. v. Hollis Music, Inc. 981 F.2d 679 (2d Cir. 1993).

3. Exclusive License and Non- Exclusive License

4. Assignment Agreement

۵. برخی توافقات طرفین در چارچوب قرارداد رهن اموال فکری مانند حق اختراع و علامت تجاری صرفاً قراردادی است و هیچ ارتباطی به اصل اعتبار و وجود حق ندارد. برای مثال، طرفین توافق می کنند که مرتهن اجازه دارد در چارچوب قرارداد، با موارد نقض حق از طریق طرح دعوی علیه عامل نقض حق، مقابله کند، یا توافق بر چگونگی پرداخت حق الامتیاز یا اقساط رهنه می نمایند. مواردی از این دست، مسائل قراردادی هستند و قاعده حل تعارض متناسب خود را می طلبد.

۶. بهمنی، محمدعلی و شیخ عطار، حسنی، پیشین، صص ۳۹-۵۸.

7. INTELLECTUAL PROPERTY: PRINCIPLES GOVERNING JURISDICTION, CHOICE OF LAW, AND JUDGMENTS IN TRANSNATIONAL DISPUTES, American Law Institute(ALI), (2008), last seen(2020-03-22), available in: <https://www.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/us/us218en-part2.pdf>

8. Principles on Conflict of Laws in Intellectual Property.

بین‌المللی برن و پاریس از قاعده «محل درخواست حمایت»^۱ بهره می‌برد و مقرر می‌دارد که: «بر مسأله وجود، اعتبار، ثبت، قلمرو و مدت زمان حقوق مالکیت فکری و دیگر مسائل مرتبط با حق، قانون کشوری که حمایت مورد درخواست واقع می‌شود، اعمال می‌گردد»^۲ و در ماده ۳:۳۰۱ همین قاعده را به گونه‌ای دیگر برای مسأله «قابلیت انتقال حقوق مالکیت فکری و این مسئله که آیا انتقال یا لیسانس می‌تواند علیه اشخاص ثالث مورد استناد واقع شود» پیشنهاد می‌کند.^۳ در حالی که در خصوص تعهدات قراردادی، طبق ماده ۳:۵۰۱ تعیین قانون حاکم، ابتدا به اصل آزادی اراده طرفین قرارداد متکی شده است و در ماده ۳:۵۰۲ تصریح می‌کند که در فرض سکوت طرفین، «نزدیک‌ترین عامل ارتباطی به قرارداد» بر اساس معیار «محل سکونت عادی» شخصی که متعهد به اجرای تعهد شاخص است، برای انتخاب قانون حاکم بر تعهدات قراردادی انتقال و لیسانس حقوق مالکیت فکری، به کار گرفته می‌شود. در واقع معیاری متفاوت از آنچه در مواد ۳:۱۰۲ و ۳:۳۰۱ بیان شده، اعمال می‌گردد.^۴ حتی در ماده ۳:۵۰۶ مقرر می‌دارد که قلمرو قانون حاکم در فرضی که مسئله قراردادی باشد، محدود به تفسیر، اجرا، آثار ناشی از نقض تعهدات، آثار بطلان و انحلال قرارداد می‌شود. به نظر می‌رسد تفکیک مسئله «وجود، اعتبار و قلمرو» حق از «تعهدات

1. Lex Protectionis

2. "The law applicable to existence, validity, registration, scope and duration of an intellectual property right and all other matters concerning the right as such is the law of the State for which protection is sought".

3. "The transferability of intellectual property rights and the question whether the transfer or license can be invoked against third parties shall be determined by the law of each State for which protection is sought".

4. "(1) In the absence of a contractual choice of law..... is most closely connected".

(2) In contracts the court shall take into consideration in determining the State with the closest connection:

(a) as factors tending to the law of the State in which the transferee or licensee has her/his habitual residence at the time of conclusion of the contract.

(b) as factors tending to the law of the State in which the creator, transferor or licensor has her/his habitual residence at the time of conclusion of the contract.

(3) If no clear decision can be made under paragraph 2 and the transfer or license concerns intellectual property rights for only one State, it shall be presumed that the contract is most closely connected with that State. If the transfer or license concerns intellectual property rights for multiple States, it shall be presumed that the State with which the contract is most closely connected shall be the State in which the creator, transferor or licensor has her/his habitual residence at the time of conclusion of the contract".

قراردادی» نشان می‌دهد که قانون منتخب طرفین نمی‌تواند در خصوص مسائلی که ارتباط مستقیم با اصل سرزمینی حقوق مالکیت فکری به خصوص در حقوق ثبت شده دارند، مؤثر واقع شوند؛ به عبارت دیگر، اقتضاء این اصل آن است که اعتبار و وجود هر حق مالکیت صنعتی به دلیل استقلال آن‌ها در هر کشوری که اعطاء می‌شود، با قانون کشور دیگری مورد ارزیابی قرار نگیرد و همین مسئله، به طور غیرمستقیم بر قاعده حل تعارض تأثیر می‌گذارد.

۲-۳. فرض توافق طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد رهن حقوق

مالکیت صنعتی

در حقوق بین‌الملل خصوصی، پذیرش اصل حاکمیت اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد، سابقه دیرینه‌ای دارد.^۱ تقریباً اکثریت قریب به اتفاق رویکردهای جدید بین‌المللی در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای اموال فکری از جمله رهن حق اختراع یا علامت تجاری، پذیرفته‌اند که تراضی طرفین در تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی رهن حق اختراع و علامت تجاری معتبر و لازم‌الاجرا می‌باشد. در نظام بین‌الملل خصوصی کره جنوبی، در مورد قراردادهای واگذاری، وثیقه و ليسانس حقوق مالکیت فکری، طرفین مجاز هستند در مورد قانون قابل اعمال توافق نمایند.^۲ انجمن حقوق بین‌الملل خصوصی کره در نشست عمومی که در ۲۶ مارس سال ۲۰۱۰ برگزار کرد، اصولی را تحت عنوان اصول کره در دعاوی بین‌الملل مالکیت فکری پیشنهاد کرد^۳ که به پیروی از ماده ۲۵ قانون بین‌الملل خصوصی (مصوب ۷ آوریل ۲۰۰۱) اصل حاکمیت اراده را به موجب ماده ۲۰ برای تعیین قانون حاکم بر قراردادهای انتقال و واگذاری، وثیقه و یا ليسانس حقوق مالکیت

۱. اصل آزادی اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد از قرن نوزدهم میلادی در حقوق انگلستان به رسمیت شناخته شد. برای مطالعه بیشتر رک به:

Dicey, Morris & Collins, *The Conflict of Laws*, Sweet & Maxwell, 15th Edition, (2018), (Chapter 32- Section 2), supra note 32-041, at 2 (Rule 222, Comment).

2 Article 25(Party Autonomy): (1) A contract shall be governed by the law which the parties choose explicitly or implicitly... (2) The parties may choose the applicable law regarding a part of the contract. last seen (2020-03-22), Available in: http://elaw.klri.re.kr/eng_mobile/viewer.do?hseq=22558&type=part&key=8

3The Korean Principles on International Intellectual Property Litigation ('Korean Principles').

فکری، پذیرفته است.^۱ در اصول تعارض قوانین ماکس پلانک نیز توافق طرفین برای انتخاب قانون حاکم بر حقوق و تعهدات متعدد طرفین ناشی از قرارداد ایجاد یا انتقال رهن اموال فکری، به صراحت در بند ۱ ماده ۳:۸۰۱ پذیرفته شده است. در بند ۱ ماده ۳۱۵ سند پیشنهادی موسسه آمریکایی حقوق (ای. ال. آی)^۲ هم از توافق طرفین در قراردادهای انتقال و لیسانس حقوق مالکیت فکری برای قانون حاکم بر تعهدات قراردادی سخن گفته شده است و به نظر می‌رسد توافق طرفین در قرارداد رهن حق اختراع یا علامت تجاری با استناد به همان ماده موجه باشد. کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) در سال ۲۰۱۰ در قالب یک سند پیشنهادی، به عنوان ضمیمه راهنمای قانون‌گذاری مربوط به قراردادهای حاوی تضمین و رهن اموال،^۳ موضوع قانون حاکم بر رهن حقوق مالکیت فکری را به اجماع تدوین و مطرح نمود. در شماره ۳۱۸ این سند اصل حاکمیت اراده و تراضی طرفین برای تعیین قانون حاکم بر تعهدات و حقوق متقابل رهن و مرتهن ناشی از قرارداد رهن (جنبه‌های قراردادی قرارداد رهن)، مانند دیگر تعهدات قراردادی، به رسمیت شناخته شده است. البته در منطق این راهنمای قانون‌گذاری، درعین حال که به اصل حاکمیت اراده احترام گذارده می‌شود، عامل ارتباطی واقعی باید قانون قابل‌اعمالی را به مسأله تأثیرگذاری بر حقوق شخص ثالث، حق تقدم، ایجاد و تحقق رهن حاکم بداند که اهداف کلیدی قواعد حل تعارض که عبارت‌اند از قطعیت حقوقی، قابل پیش‌بینی بودن و تحقق انتظارات اطراف ذینفع قرارداد رهن را برآورده سازد.

1 Article 20: (1) The parties may enter into a choice of law agreement for all or part of disputes anytime before or after the disputes arise. Provided, however, the choice of law agreement regarding the issues of existence/validity disputes, the contents, extinguishment, infringement, assignability, and the effect of assignment of intellectual property rights on a third party, and registration of registered IPRs shall be binding only on the parties concerned.

(2) The choice of law agreement between parties shall not affect the rights of third parties that are established before the agreement. (3) The existence and validity of the choice of law agreement shall be governed by the law chosen thereby.

2. American Law Institute.

3. Uncitral Legislative Guide on Secured Transactions (Supplement on Security Rights in Intellectual Property), United Nations, New York, 2011, last seen (2020-03-22), available in: https://www.uncitral.org/pdf/english/texts/security-lg/e/10-57126_Ebook_Suppl_SR_IP.pdf

۲-۴. فرض سکوت طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد رهن حقوق مالکیت صنعتی

هرچند ممکن است عدم توافق بر انتخاب قانون حاکم بر تعهدات قراردادی در یک قرارداد بین‌المللی رهن حق اختراع یا علامت تجاری امر نادری به نظر برسد، اما به دلایلی از جمله عدم اعتماد طرفین به یکدیگر در قانون پیشنهادی مورد نظر و یا عدم آشنایی به قانون مورد نظر، طرفین ترجیح دهند که مقام رسیدگی‌کننده به اختلاف با در نظر گرفتن جمیع اوضاع و احوال قضیه قانون حاکم را تعیین کند؛ بنابراین در چنین فرضی، باید با بررسی رویکردهای اخیر بررسی کرد که کدام ویژگی و یا عامل ارتباطی می‌تواند در تعیین قانون حاکم، مؤثرتر باشد.

۲-۴-۱. معیار شخصی «اجرای تعهد شاخص»

معیار «اجرای تعهد شاخص» را باید در کنوانسیون رم ۱۹۸۰^۱ و سپس در سند خلف آن، یعنی دستورالعمل رم یک مصوب ۲۰۰۸ یافت.^۲ در این دو سند هرچند اختصاصاً از بیان قاعده حل تعارض بر قراردادهای مالکیت فکری، به دلیل احتمال بروز اختلاف نظرهای شدید میان کشورهای عضو، پرهیز شده است، لیکن حقوقدانان پیشنهاد کرده‌اند که در مقام تعیین قانون حاکم بر مسائل قراردادی حقوق مالکیت فکری هم می‌توان از قاعده مندرج در ماده ۴ دستورالعمل رم یک که مبتنی بر «اجرای تعهد شاخص» می‌باشد، استفاده کرد؛^۳ اما سؤال اصلی این است که اساساً دادگاه باید کدام عامل ارتباطی را در تعیین «تعهد شاخص» اقسام متنوع قراردادهای مالکیت فکری ملاک قرار دهد. برای نمونه، میان حقوقدانان در شناسایی متعهد به اجرای تعهد شاخص یک قرارداد پیچیده لیسانس حق اختراع، سه دیدگاه مطرح شده است^۴ و این نکته، فرایند حل تعارض قوانین را برای دادگاه

1. EEC Convention on the Law applicable to Contractual Obligations, [1980] OJ L266/1, which came into force on 1 April 1991 (the 'Rome Convention 1980').

2. Regulation (EC) No 593/2008 of the European Parliament and of the Council of 17 June 2008 on the law applicable to contractual obligations (Rome I), [2008] OJ L177/6, which came into force on 17 December 2009 and applies according to the corrigendum to contracts concluded as from 17 December 2009.

3. Fawcett, James, J, and Torremans, Paul. "Intellectual Property and Private International Law", (2nd Edition), Oxford Private International Law Series, Published in print: 17 February 2011, para.14.53

4. Fawcett, James, J, and Torremans, Paul. Ibid, paras.14.69- 14.122.

مقر پیچیده تر و احتمالاً گمراه کننده می کند. برخی از صاحب نظران مانند ترولر^۱ معتقدند اجرای تعهد قرارداد لیسانس در کشور محل سکونت عادی لیسانس گیرنده روی می دهد و بنابراین در مواردی که لیسانس تنها یک کشور را پوشش می دهد، باید قانون کشور لیسانس گیرنده اعمال شود و در جایی که لیسانس بهره برداری از حق در چندین کشور مختلف اعطا شده باشد، برای پرهیز از اعمال چندین قانون مختلف برای یک قرارداد، باید قانون کشور محل سکونت عادی لیسانس دهنده را به عنوان نزدیک ترین عامل ارتباطی به قرارداد اعمال کنیم.^۲ برعکس، برخی معتقد هستند در فرضی که در قرارداد لیسانس، حق بهره برداری از اختراع یا طرح صنعتی برای کشورهای مختلفی اعطا می شود، باید قانون کشور لیسانس گیرنده را مناسب بر قرارداد دانست؛ زیرا لیسانس گیرنده به انگیزه بهره برداری از حق، اقدام به سرمایه گذاری می کند و در واقع اوست که اجازه بهره برداری از حق را دریافت نموده است؛ بنابراین از آنجایی که تعهد شاخص و اصلی قرارداد با محل سکونت عادی لیسانس گیرنده ارتباط نزدیکی را برقرار می نماید، انتظار به جایی است که این قانون مناسب بر قرارداد لیسانس باشد.^۳ قانون گذار اتریش در بند ۱ ماده ۴۳ قانون بین المللی خصوصی مصوب ۱۹۷۸ تصریح می نماید که اگر قرارداد مربوط به حقوق اموال ناملموس (اموال فکری) در چندین کشور مختلف باشد، قانون کشوری که محل سکونت عادی لیسانس گیرنده در آنجا واقع شده است، حاکم بر قرارداد خواهد بود.^۴ برخی دیگر مانند اوگن اولمر^۵ معتقدند در وضعیتی که لیسانس اعطاشده، حاوی هیچ تعهدی مبنی بر بهره برداری از حق نباشد یا اساساً لیسانس انحصاری نباشد، می توان انتظار داشت که قانون کشور محل سکونت عادی لیسانس دهنده اعمال شود.^۶ نظر سومی هم وجود دارد که از

1. Troller

2. Troller, A., "International Lizenzverträge, in [1952] *GEWERBLICHER RECCGTSSCHUTZ UND URHEBERRECHT*", 108(Austlandsteil), supra note 38, at 196, Cited by: Fawcett, James, J, and Torremans, Paul, Ibid, para.1.4.74.

3. Modiano, Giovanna, "International Patent Licensing Agreements and Conflict of laws", *Northwestern Journal of International Law & Business*, Volume 2, Issue 1 Spring, 1980, PP. 23- 27

4. Palmer, Edith, "The Austrian Codification of Conflicts Law", *The American Journal of Comparative Law*, Vol.28, No.2 (Spring 1980), pp.197-234, Published by; Oxford University Press, Para, 43(1).

5. Eugen Ulmer

6. Ulmer, Eugen, "Intellectual Property Rights and the Conflict of Laws", Kluwer, Netherlands, 1978.p. 102.

«قانون محل درخواست حمایت» دفاع می‌کند. فاست^۱ (معادل انگلیسی واژه در پاورقی) اعمال قانون کشور محل درخواست حمایت را برای قرارداد لیسانس و انتقال حقوق مالکیت صنعتی مانند اختراع و طرح صنعتی مناسب‌تر می‌داند؛ زیرا در این کشور فن‌آوری مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.^۲ دلایل طرفداران اعمال قانون کشور محل درخواست حمایت، متعدد است از جمله اینکه این راه‌حل یادآور قاعده محل وقوع مال، به‌عنوان یک قاعده بین‌الملل خصوصی برای اموال غیرمنقول می‌باشد. حقوق مالکیت صنعتی به‌عنوان نوعی از اموال است که به دلیل لزوم رعایت تشریفات ثبتی و سرزمینی بودن اعطای حق، شبیه به اموال غیرمنقول می‌باشد و تا آنجایی که یک قرارداد لیسانس، به حقوق مالکیت صنعتی اختراع و طرح صنعتی مربوط می‌شود، کشور حمایت‌کننده، کشور محل بهره‌برداری نیز تلقی می‌شود؛ بنابراین به‌عنوان یک قاعده حل تعارض، با رجوع به قانون محل وقوع مال، یعنی محل درخواست حمایت، نزدیک‌ترین رابطه با قرارداد به‌موجب این قانون برقرار شود.^۳ در خصوص ملاک تشخیص «اجرای تعهد شاخص» در قراردادهای مالکیت فکری در جای دیگری پرداخته شده است^۴ و در اینجا اشاره مختصر به آن کافی به نظر می‌رسد. نکته مهم این است که در مطالعات بین‌المللی اخیر همین معیار برای رهن اموال فکری مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، ماده ۲۳ اصول کره برای دعاوی بین‌الملل مالکیت فکری، معیار نزدیک‌ترین عامل ارتباطی به قرارداد رهن اموال فکری مبتنی بر محل سکونت عادی رهن تعیین شده است.^۵ در سند پیشنهادی موسسه ماکس پلانک در بند (۲) ماده ۳:۸۰۱ و بند (۱) ماده ۳:۸۰۲ معیار محل سکونت عادی رهن در

1. Fawcett

2. Fawcett, James, J, and Torremans, Paul. Ibid, para.14.87

3. A Dicey, "Dicey's Conflict of Laws", (7th edn, 1958); C Schmitthof, "The English Conflict of Laws", (3rd edn, 1954), Cited by Fawcett, James, J, and Torremans, Paul. Op,cit, para.14.88

۴. بختیاروند، مصطفی، «تعارض قوانین در قراردادهای بین‌المللی مالکیت فکری»، حقوق خصوصی، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵-۱۲۴.

5. Art 23 of the Korean Principles:

(1) If there is no choice of law agreement for assignment of Intellectual Property Rights, providing them as security or license thereof, the law of the State which has the closest connection shall apply. The law of the State of the Habitual Residence of the assignee, security holder, or licensee is presumed to be the law of the State with the closest connection.

زمان انعقاد قرارداد، ملاک قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این معیار به تبعیت از معیار «تعهد شاخص» مندرج در ماده ۴ مقررات دستورالعمل رم ۱، تعهد اصلی قرارداد رهن اموال فکری را بر عهده رهن می‌داند؛ زیرا به زعم تدوین‌کنندگان این سند، رهن است که باید حقوق ناشی از اختراع و یا علامت تجاری خود را در جایی که سکونت عادی دارد و امکان دسترسی به برای اجرای قرارداد وجود دارد، در اختیار طلبکار مرتهن بگذارد. از طرف دیگر، به نفع مرتهن است که در راستای الزام رهن به اجرای مفاد قرارداد، به دادگاه محلی که وی در آنجا سکونت دارد، دسترسی داشته باشد. حتی از منظر نظریه‌ی «تعهد شاخص» مرتهن به عنوان طلبکار تعهد چندان مهمی بر عهده ندارد که به محل سکونت عادی وی مراجعه شود. حتی این طرز تلقی در فرضی که رهن به تعهدات قراردادی خود عمل نمی‌کند و باید علیه وی در دادگاه محل اقامت وی طرح دعوی بشود، از یک قاعده مهم بین‌المللی «محل اقامت خواننده»، نیز تبعیت می‌کند. البته در قسمت اخیر بند (۲) ماده ۳:۸۰۱ بر امکان اعمال قانونی که نزدیک‌ترین ارتباط را با قرارداد برقرار می‌کند، اشاره شده است و می‌تواند این قانون متفاوت از قانون محل سکونت عادی رهن باشد. در پیشنهاد شماره ۲۰۴، ضمیمه راهنمای قانون‌گذاری مربوط به معاملات حاوی رهن اموال فکری آنسیتال، به محل تجارت اصلی رهن به عنوان یک عامل ارتباطی مهم اشاره شده که از این عامل ارتباطی در کنار عامل ارتباطی «محل درخواست حمایت»^۱، به عنوان یک مکانیزم ترکیبی حل تعارض قوانین رهن اموال فکری استفاده و مورد پیشنهاد اصلی واقع شده است. طبق قانون پیشنهادی سند راهنما، قانون قابل اعمال برای برقراری و ایجاد رهن اموال، تأثیرگذاری بر حقوق اشخاص ثالث، حق تقدم و اجرای حقوق ترهینی اموال مادی و ملموس قانون کشوری است که محل تجارت اصلی رهن^۲ در آنجا واقع است. در صورتی که محل تجارت اصلی رهن در بیش از یک کشور واقع شده باشد، اداره مرکزی یعنی محلی که واقعاً رهن در آنجا استقرار دارد ملاک قرار می‌گیرد. از نظر تحلیل اقتصادی مسئله، رهن متعهد اصلی به اجرای قرارداد است و به دلایل اقتصادی برای مرتهن، دسترسی آسان به او و اموال وی در هر محلی که سکونت عادی دارد در راستای الزام او به ایفای تعهدات قراردادی، هزینه و ریسک معاملاتی را کمتر می‌کند. مزیت اصلی و

1. Bariatti, Stefania, "The Law Applicable to Security Interests in Intellectual Property Rights", *Journal of Private International Law*, 2010, 6:2, pp.407-412

2. Grantor

عمده‌رویکرد مبتنی بر قانون کشوری که محل سکونت عادی رهن در آنجا واقع می‌باشد، این است که قانون واحدی بر آن موضوعات اعمال می‌شود. برای مثال، مرتهن^۱ که می‌خواهد حق وثیقه‌ای را در مورد اموال غیرمادی رهن (مانند اموال فکری، اسناد مالی در ذمه) به دست آورد، ولو آنکه آن اموال رهنی با کشورهای مختلفی ارتباط داشته باشند، می‌تواند با استناد به قانون یک کشور، وثیقه را در اختیار بگیرد، علیه اشخاص ثالث به آن استناد نماید و حق تقدم خود را علیه هر طلبکار دیگری اعمال و اجرا نماید. این رویکرد، الزامات ناشی از ثبت رهن مال در کشورهای مختلف و تحمیل هزینه‌های تحقیق و بررسی در مورد آن را در بیشتر مواقع کاهش می‌دهد، چون مرتهن ملزم می‌باشد، تنها در کشوری که محل سکونت عادی رهن واقع است نسبت به ثبت رهن و تحقیق و بررسی در مورد آن پردازد. چنین امری، هزینه‌های معاملات حاوی رهن اموال را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود قطعیت و میزان درجه اطمینان را افزایش دهد و بنابراین به طور بالقوه تأثیر مثبتی در سرمایه‌گذاری اینگونه اموال به عنوان یک اعتبار قابل اطمینان می‌گذارد. مزیت مهم دیگر قانون محل سکونت عادی رهن، در این است که اگر وی ورشکسته شود، مطابق مقررات قانون کشوری که فرایند ورشکستگی در مورد وی مدیریت و اداره می‌شود، به وضعیت او رسیدگی می‌شود؛ بنابراین چنین وضعیتی می‌تواند حتی در فرایند ورشکستگی رهن، مرتهن را با چالش تعدد قوانین قابل اعمال کمتر مواجه نماید. این وضعیت دستاورد مهمی برای یک مرتهن است که مطمئن می‌شود حتی در صورت ورشکستگی رهن، حقوق وی بر همه طلبکاران احتمالی مقدم و اولویت خواهد داشت. یکی از اشکالاتی که می‌توان به این رویکرد وارد کرد آن است که هرچند در این رویکرد، دو هدف «قابل پیش بودن» و «قطعیت حقوقی» قانون حاکم محقق می‌شود، اما در ارزیابی منافع و تحلیل اقتصادی مسئله، تنها به تأمین نفع اقتصادی مرتهن متمرکز است و این نکته می‌تواند برای کشورهایی که سرمایه فرست می‌باشند و حمایت از سرمایه مرتهن را در اولویت قوانین خود قرار می‌دهند مطلوب است، لیکن در توجه به ملاحظات نفع عمومی و اقتصادی مقرر دادگاهی که سرمایه‌پذیر است از یک طرف و نیز در حمایت از نفع اقتصادی صاحب حق اختراع یا علامت تجاری که حقوق خود را به رهن گذارده است، با کاستی مواجه است و

1. Secured Creditor.

ممکن است محدودیت ناخواسته‌ای را برای تعیین قانون حاکم بر رهن اموال فکری مانند اختراع و علامت تجاری ایجاد کند.

۲-۴-۲. معیار نزدیک‌ترین عامل ارتباطی «تحلیل منافع»

در ماده ۳۱۷ سند پیشنهادی موسسه آمریکایی آی. ال. ای موضوع قانون قابل اعمال بر وثیقه اموال فکری مستقیماً مورد خطاب قرار نگرفته‌اند و تعیین قانون حاکم بر مسأله فرایند تکمیل سازی وثیقه اموال فکری، حق تقدم یا ضمانت اجرای وثیقه حقوق مالکیت فکری را به قواعد کلی حاکم بر معاملات رهنی ارجاع می‌دهد. در ماده ۹ مقررات قانون تجارت متحدالشکل آمریکا^۱ فرایند شکل‌گیری «رهن منافع»، از جمله ترهین اموال فکری در قالب اموال غیرمادی و ناملموس مقرر شده است و در اکثر ایالت‌های آمریکا این قانون لازم‌الاجرا می‌باشد. در تفسیر رسمی که از این ماده شده است، بر این موضوع تأکید می‌شود که تقریباً همه معاملاتاتی که تلاش دارند «رهن منافع» را در اموال شخصی ایجاد نمایند، تحت حاکمیت این مقررات قرار دارد.^۲ با ملاحظه جمیع جهات می‌توان گفت که هدف اصلی ماده ۹ حمایت از طرفی است که دارای وثیقه است و در برابر خریدارانی که از بدهکار خرید می‌نمایند و یا اشخاصی که از بدهکار طلبکار می‌باشند، جانب‌داری می‌نماید.^۳ به همین دلیل ماده ۹ مقرر می‌دارد طرفی که دارای وثیقه است، می‌تواند به موجب یک فرایند تکمیل‌سازی،^۴ «رهن منافع» خود را تثبیت نماید. با این حال برای تعیین قانون حاکم بر رهن اموال فکری باید از قواعد کلی حل تعارض مقرر در اولین و دومین مجموعه تعارض قوانین پیروی کرد. در ایالات متحده آمریکا، به‌طور کلی قاعده حل تعارض در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای، در صورت فقدان تراضی طرفین، از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت می‌باشد. ۱۲ ایالت آمریکا به استناد اولین مجموعه قوانین مربوط به تعارض قوانین در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای، از رویکرد سنتی قانون محل انعقاد

1. The Uniform Commercial Code, last seen (2020-03-22), available in: <https://www.uniformlaws.org/acts/ucc>

2. U.C.C. § 9-101 Official Cmt. (2001)

3. U.C.C. § 9-101 Official Cmt.

4. Perfection.

قرارداد^۱ پیروی می‌نمایند (مواد ۳۲۵ و ۳۲۶).^۲ در حالیکه ۲۳ ایالت آمریکا از قواعدی که در دومین مجموعه قوانین مربوط به تعیین قانون حاکم بر قراردادها مقرر شده است، پیروی می‌کنند.^۳ ماده ۱۸۸ دومین مجموعه قوانین مربوط به تعیین قانون حاکم بر قراردادها، مقررۀ اصلی و مهم در تعیین قانون قابل اعمال بر قراردادهایی است که طرفین قانون حاکم را انتخاب نکردند. این ماده قانونی مقرر می‌دارد که حقوق و تکالیف طرفین در مورد موضوعات قراردادی تحت حاکمیت قانون کشوری قرار می‌گیرد که مهم‌ترین رابطه را در مورد آن موضوع داشته باشد. به علاوه در صورت فقدان تراضی طرفین در انتخاب قانون حاکم مؤثر، تعیین قانون قابل اعمال باید با توجه به عوامل ارتباطی زیر تعیین شود: (الف) محل انعقاد قرارداد (ب) محل مذاکره برای انعقاد قرارداد (ج) محل اجرای قرارداد (د) محل موضوع قرارداد و (و) اقامتگاه، سکونت، تابعیت، محل شرکت و نیز محل تجارت طرفین. این سند همچنین مقرر می‌دارد که این عوامل ارتباطی باید در راستای اهمیت ارتباط آن‌ها با موضوع خاص قرارداد مورد ارزیابی قرار گیرند. به علاوه، طبق بند (۱) ۱۸۸ تحلیل انتخاب قانون حاکم در یک اختلاف قراردادی باید با ملاحظه قراردادن عوامل ارتباطی مندرج در ماده (۲) ۶ انجام شود. این عوامل عبارت‌اند از: (الف) الزامات نظام‌های بین‌المللی و بین‌ایالتی؛ (ب) خط‌مشی‌های مرتبط با دادگاه مقرر رسیدگی‌کننده؛ (ج) خط‌مشی‌های مرتبط با دیگر ایالت‌های ذینفع و منافع مرتبط آن ایالت‌هایی که در تعیین موضوع خاص مؤثر است؛ (د) حمایت از انتظارات موجه؛ (و) خط‌مشی‌های راهبردی اساسی نهفته در زمینه خاص حقوقی؛ (ز) قطعیت، قابلیت پیش‌بینی و یکپارچگی نتیجه و (ح) سهولت در تعیین و اعمال قانونی که باید اعمال شود. در زمینه قراردادهای مالکیت فکری هم می‌توان از همین اصول برای انتخاب قانون حاکم استفاده نمود.^۴ نکته قابل ذکر این است که دومین مجموعه تعارض قوانین ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد با نظریه تحلیل منافع عمومی برانارد کاری^۵ توسعه پیدا کرد. تحلیل منافع

1. Lex loci contractus

2. Symeonides, S. "American Private International Law", (Kluwer Law International 2008), para 485.

3. Symeonides, Ibid. para 488.

4. Great Clips Inc v Hair Cattery of Greater Boston LLC and Great Cuts Inc 2009 WL 458554 (D Mass); Getty Images (US) Inc v Advernet Inc f/k/a VR Marketing Inc 2011 WL 2732202

5. Brainerd Currie

عمومی کاری، با این پیش فرض مطرح شد که هر دادگاهی موظف به اجرای سیاست‌های تقنینی کشور خود می‌باشد و در صورتی امکان اجرای قانون یک کشور خارجی فراهم است که آن کشور، بیشترین نفع را در اختلاف مطروحه داشته باشد، در عین حال که دادگاه رسیدگی کننده، فاقد آن نفع باشد.^۱ از دیدگاه کاری، در برخی دعاوی که تعارض واقعی منافع کشورها وجود دارد و چند کشور در مسئله‌ای، منفعتی را در اعمال شدن قانون خود بر دعوی دنبال می‌کنند، باید قانون کشوری که بیشترین نفع را در دعوی دارد حاکم دانست.^۲ کاری بر این باور است که اگر قانون دادگاه مقرر در میان قوانین کشورهای درگیر در مسئله، نفعی در دعوی دارد، تأمین و حفظ منافع دادگاه مقرر بر سایرین ارجحیت دارد و این در حالی است که در تعارض غیرواقعی، تنها یک کشور است که نفع واقعی در مسئله دارد و اعمال قانون آن کشور ذینفع، بلاشکال است.^۳ جنبه حمایت‌گرایانه حقوق مالکیت فکری از یک طرف و ضرورت حمایت از نفع اقتصادی راهن، با رویکرد مبتنی بر اصل «تخصیص کارآمدی»^۴ قاعده حل تعارض تطبیق می‌کند و این اجازه را می‌دهد تا قانونی را که متناسب با خط‌مشی‌های راهبردی قانون‌گذار است انتخاب کرد. قاعده انتخاب قانون حاکم مبتنی بر این اصل، در واقع کارکرد زمینه خاص قانونی را که به موضوع مربوط می‌شود را مدنظر قرار می‌دهد.^۵ موارد تخصیص کارآمدی نوعاً زمینه‌های حقوق ماهوی را دربرمی‌گیرند که هدف آن‌ها حمایت کردن از طرف‌های ضعیف (مانند کودکان، مصرف‌کنندگان و کارگران) است.^۶ رویکرد «تخصیص کارآمدی» برای تضمین حقوق طرف ضعیف بر طبق قوانین کشوری که فعالیت‌های اقتصادی یا اجتماعی در آنجا روی

1. Hill Kay, Herma, "Currie's Interest Analysis in the 21th Century: Losing the Battle, But Winning the War", 37Willamette L. Rev, (2001),p.123

2. Currie, Brainerd, "The Constitution and the Choice of Law: Governmental Interests and the Judicial Function," University of Chicago Law Review 9, (1958), pp.9-10

3. Currie, Ibid, p.10

4. Functional Allocation Approach.

۵. قسمت (و) از بند (۲) ماده ۶ دومین مجموعه اصول و قواعد حقوقی تعارض قوانین ایالات متحده آمریکا با اشاره به «خط‌مشی‌های راهبردی اساسی نهفته در زمینه خاص حقوقی» از رویکرد تخصیص کارآمدی قانون تأثیر پذیرفته است.
۶. برای مثال بند (۲) ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۸۰ رم و بند ۲ و ۳ ماده ۸ دستورالعمل رم ۱ قانون قابل اعمال بر قراردادهای استخدام را قانون کشوری می‌داند که کارمند عادتاً در آنجا وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. این قاعده مبتنی بر رویکرد حمایت‌گرایی است که بر تخصیص کارآمدی قوانین کار که حمایت از کارگر را ملاک قرار می‌دهند، استوار شده است.

می‌دهد به کار گرفته می‌شود و این طور به نظر می‌رسد که هدف این رویکرد، به طور خاص حمایت از طرف ضعیف نیست، بلکه بیشتر کارکرد حمایتی آن است که خط مشی راهبردی عمومی تر منفعت مانند نفع عمومی در قلمرو عمومی اطلاعات و دانش، در محور توجه قرار دارد؛^۱ بنابراین ملاحظه می‌شود که تئوری براینارد کاری، رویکرد یک‌جانبه گرایانه دارد که متمرکز بر اعمال فراسرزمینی قواعد داخلی می‌باشد. تحلیل منافع عمومی کاری، در دومین مجموعه اصول و قواعد حقوقی تعارض قوانین مصوب ۱۹۷۱ بسیار تأثیرگذار بوده است. اصول کلی این مجموعه قواعد تعارض قوانین، با رویکردی منعطف انتخاب عوامل ارتباطی را در اختیار قضات قرار می‌دهد و دادگاه باید در هنگام تعیین عامل ارتباطی، به جای اتکا به یک عامل ارتباطی واحد و مضیق، به مجموعه‌ای از عوامل ارتباطی توجه کند تا موفق به انتخاب قانون قابل اعمال بر قرارداد شود.^۲ در این راستا ارزیابی خط‌مشی‌های راهبردی مرتبط با کشور مقرر دادگاه و سایر کشورهای ذینفع و خط‌مشی‌های راهبردی اساسی نهفته در زمینه‌های خاص حقوقی، مورد تأکید قرار گرفته است.^۳ قواعد خاص حل تعارض قوانین مندرج در دومین مجموعه اصول و قواعد حقوقی تعارض قوانین، دربرگیرنده موضوعات متنوعی مانند مسئولیت مدنی، قراردادهای و غیره می‌باشد. این مجموعه قواعد، مبتنی بر این ایده هستند که در قانون حاکم بر دعوی قراردادی در صورت فقدان تراضی طرفین، باید با لحاظ اصول کلی حل تعارض قوانینی که در ماده ۶ بیان شده است، کشوری باشد که بیشترین ارتباط را با دعوی برقرار می‌نماید.

1. Eechoud, Mireille.van. "Choice of Law in Copyright and Related Rights: Alternatives to the lex protectionis", *Kluwer law International*, 2003, p.176.

۲. Carruthers, J.M. "The Treansfer of Property in The Conflict of Laws", *Oxford 12..Universsity Press*, 2005, 1

۳. ماده ۶ دومین مجموعه اصول و قواعد حقوقی تعارض قوانین ایالات متحده آمریکا مقرر می‌دارد: «(۱) دادگاه با توجه به محدودیت‌های قانون اساسی، برای انتخاب قانون حاکم، دستورالعمل قانون ایالت خود را دنبال می‌کند. (۲) در صورتی که چنین دستورالعملی وجود نداشته باشد، عوامل ارتباطی برای انتخاب قانون قابل اعمال شامل موارد زیر است: (الف) الزامات نظام‌های بین‌المللی و بین‌ایالتی (ب) خط‌مشی‌های مرتبط با دادگاه مقرر رسیدگی‌کننده (ج) خط‌مشی‌های مرتبط با دیگر ایالت‌های ذینفع و منافع مرتبط آن ایالت‌هایی که در تعیین موضوع خاص مؤثر است (د) حمایت از انتظارات موجه (و) خط‌مشی‌های راهبردی اساسی نهفته در زمینه خاص حقوقی (ذ) قطعیت، قابلیت پیش‌بینی و یکپارچگی نتیجه و (خ) سهولت در تعیین و اعمال قانونی که باید اعمال شود».

۲-۴-۳. معیار عینی «محل ثبت قرارداد» جایگزین محل انعقاد قرارداد

در اعطای حقوق انحصاری مالکیت برای پدیدآورنده یک اثر فکری، سیاست‌های تقنینی کشور اعطاکننده حق، مبتنی بر ملاحظات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود می‌باشد. جنبه‌های حمایت‌گرایانه حقوق مالکیت فکری، قواعد ماهوی آن را از صرف یک رابطه حقوق خصوصی تبدیل به قواعدی کرده است که عمدتاً سرزمینی و مبتنی بر قواعد الزام‌آور دستوری هستند.^۱ از این رو دادرس باید به تمام جنبه‌های اعطای حقوق مالکیت فکری توجه کند تا دریابد حمایت از این حقوق، به چه دلیل سرزمینی هستند؛ بنابراین تحلیل مبانی قانونی حمایت از اموال فکری در یافتن قانون مناسب بسیار اهمیت دارد. نکته مهم دیگر در یافتن قاعده حل تعارض مناسب بر قراردادهای رهن اموال فکری، باید توجه به ملاحظات قانون‌گذار در وضع مقررات رهن اموال فکری باشد. از آنجایی که در کشورهای در حال توسعه دریافت فن آوری روز دنیا از کشورهای توسعه یافته اهمیت به‌سزایی دارد، دادگاه باید قواعدی را برای حل تعارض پیدا کند که میان نفع سرمایه‌گذار که عمدتاً صاحب اموال فکری است با نفع راهن که عمدتاً نیازمند به دریافت فن آوری نو می‌باشد، یکی را برگزیند. علاوه بر این، در تعارض قوانین رهن اموال فکری، باید به ملاحظات سیاست‌های قانون‌گذاری مقرر دادگاه توجه شود. قانون‌گذار در ماده ۹۶۸ قانون مدنی، یک قاعده حل تعارض قوانین در قراردادها وضع کرده است. این ماده به‌عنوان یک قاعده حل تعارض بر کلیه قراردادها قابلیت اعمال پیدا می‌کند؛ اما به دلیل ابعاد اقتصادی مختلفی که یک قرارداد رهن اموال فکری دارد، باید بگوییم که قاعده مذکور قادر به پاسخگویی به مسائل مربوط به جزئیات رهن اموال فکری، نیست. برای مثال نمی‌توان به این قاعده برای تعیین قانون حاکم بر تأثیرگذاری رهن بر حقوق اشخاص ثالث، یا حق تقدم بر رهن اموال فکری و سایر مواردی که در سند پیشنهادی ضمیمه آنستیرال به آنها پرداخته شده است استناد کرد. حتی محل انعقاد قرارداد نمی‌تواند در مقایسه با محل ثبت قرارداد، مهم‌ترین عامل ارتباطی در قراردادهای رهن اموال فکری به‌شمار آید. در توجیه صحت رهن اموال فکری اشاره نمودیم که صحت آن، مستلزم قبول قبض عرفی مال است و این امر تنها با ثبت قرارداد رهن در اداره مالکیت فکری میسر می‌شود؛ بنابراین ملاحظه

۱. ایرانپور، فرهاد و معلی، مهدی، «مبانی حقوق بر آفرینش‌های فکری»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۹، ص ۵۷-۵۸.

می‌گردد که وقوع رهن اموال فکری و ایجاد آن با محل ثبت قرارداد نزدیک‌ترین ارتباط را برقرار می‌نماید و همین محل می‌تواند در تعیین قانون حاکم بر قرارداد رهن برای حل اختلاف در مسائل قلمرو، اعتبار و تأثیرگذاری رهن بر حقوق اشخاص ثالث، یا حق تقدم و اولویت بر رهن اموال فکری، بسیار مؤثر باشد. از سوی دیگر، حتی می‌توان بر اساس رویکرد مبتنی بر «تخصیص کارآمدی قوانین مالکیت فکری و تحلیل اقتصادی قرارداد رهن اموال فکری» روش دیگری را برای حل تعارض انتخاب کنیم که در راستای حمایت از منافع اقتصادی رهن باشد. برای مثال اگر مخترع ایرانی برای تأمین سرمایه بخواهد حقوق اقتصادی ناشی از اختراع خود را به رهن بگذارد، ناگزیریم از وی در صورت بروز ورشکستگی وی حمایت کنیم و از نظر اقتصادی به صلاح نیست که قانون دیگری بر رابطه حقوقی میان رهن و مرتهن حاکم باشد. به‌عنوان یک روش حل تعارض، قانون‌گذار می‌تواند توجه دادرس را به خط‌مشی راهبردی قانون مورد نظر هدایت کند؛ بنابراین علی‌رغم آنکه محل ثبت قرارداد رهن اموال فکری، می‌تواند یک عامل ارتباطی به قرارداد تلقی شود، اگر سیاست‌های اقتصادی قانون‌گذار ایرانی در راستای حمایت از رهن باشد، می‌توان محل سکونت عادی وی را به‌عنوان مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عامل ارتباطی به قرارداد رهن حقوق مالکیت صنعتی، پیشنهاد نمود. با این وجود، به‌طور کلی حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، ناآشنا با عامل ارتباطی محل ثبت نیست. در مواردی که ثبت واجد اثر است، همین عامل ارتباطی می‌تواند به‌عنوان نزدیک‌ترین و مهم‌ترین عامل ارتباطی شناخته شود.^۱ به‌عنوان راه حل تعارض قوانین در دعاوی قراردادی رهن اموال فکری در موارد قلمرو حق، اعتبار آن و تأثیرگذاری رهن بر حقوق اشخاص ثالث و یا حق تقدم بر رهن اموال فکری باید برای اموال فکری ثبت شده (مانند اختراعات علائم تجاری و طرح‌های صنعتی)، از وحدت ملاک مواد ۲۱، ۹۳، ۹۵، ۱۳۸ و ۱۳۹ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات استفاده کرد و با توسل به مکانیزم ثبت قرارداد رهن در اداره مالکیت

۱. در ماده ۹۶۹ قانون مدنی، قانون‌گذار در خصوص شکل و نحوه تنظیم اسناد، قائل به حاکمیت قانون محل تنظیم سند است. «محل ثبت سند» به‌عنوان یک عامل ارتباطی، مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عامل ارتباطی در فضای حل تعارض قوانین ایران، به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین، «محل ثبت قرارداد رهن» حقوق مالکیت صنعتی می‌تواند از سوی قانون‌گذار به‌عنوان مکانیزمی برای حل تعارض قوانین قراردادهای رهن حقوق مالکیت صنعتی معرفی و به کار گرفته شود.

صنعتی، قانون محل درخواست حمایت که لزوماً با محل ثبت قرارداد تقارن می‌یابد را بر این‌گونه مسائل حاکم بدانیم و به نظر می‌رسد در مورد تعهدات و آثار ناشی از قرارداد رهن اموال فکری، قاعده سنتی «محل انعقاد عقد» کافی و متناسب به نظر نمی‌آید.

نتیجه

قواعد سنتی حل تعارض قوانین در سیر تاریخی خود، دچار تحول شده است. به طوری که برای یافتن راه‌حلی که بتواند بی‌طرفی، قابلیت پیش‌بینی و قطعیت را در روابط اشخاص حقوق خصوصی حفظ کند، پیشنهادهایی شده است. در اواخر قرن نوزدهم با چنین رویکردی، تمرکز روابط حقوقی اشخاص بر نقطه مکانی معین توسط ساوینی مورد استقبال قرار گرفت و تحول تاریخی را در حل تعارض قوانین ایجاد کرد. این راه‌حل در قوانین بین‌الملل خصوصی بسیاری از کشورها از جمله قواعد حل تعارض قوانین ایران مورد استفاده واقع شد و همچنان نیز به عنوان قاعده حل تعارض در تعهدات (قراردادی و مسئولیت مدنی) کاربرد دارد. از اواخر قرن بیستم میلادی به بعد، تأثیرپذیری قواعد حل تعارض قوانین از قواعد ماهوی مبتنی بر ملاحظات اقتصادی، موجب پیدایش رویکردهای جدیدی از جمله کارکرد «تحلیل منافع عمومی» در حل تعارض قوانین شده است. موضوعات جدیدی چون حقوق مالکیت فکری، ملاحظات نفع خصوصی و نفع عمومی در ایجاد آن‌ها نقش مهمی دارد و مسأله تعارض قوانین در این دسته از حقوق، نمی‌تواند بدون توجه به این ملاحظات و با تکیه بر تأمین نفع خصوصی اشخاص، به راحتی حل شود. علاوه بر این تأثیرپذیری قواعد ماهوی ملی کشورها از مقررات بین‌المللی حمایت از اموال فکری به عنوان یک هنجار بین‌المللی، مسأله قاعده حل تعارض قوانین قراردادی و مسئولیت مدنی حقوق مالکیت فکری را از اتکا صرف به روش حقوقی یک‌جانبه، دورتر کرده است و ضرورتاً به اقتضاء تحلیل اقتصادی نفع حداکثری در اعطاء حقوق انحصاری و تأمین نفع عمومی، قاعده حل تعارض قراردادی دیگر نمی‌تواند بی‌طرفانه عمل کند و حتی می‌توان گفت به تحلیل منافع، نزدیک‌تر شده است. به همین ترتیب در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای رهن حق اختراع و علامت تجاری ناگزیریم به این ملاحظات توجه کنیم. از میان رویکردهایی که در حل تعارض قوانین بیان گردید به نظر می‌رسد، اختیار مقام رسیدگی‌کننده به اختلاف در تعیین قانون حاکم بر مسئله، به روش اصولی که محدود به یک عامل ارتباطی نیست، بسیار کارآمدتر از اعمال روش حقوقی «محل انعقاد قرارداد» یا

«محل اجرای قرارداد» باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود دادرس با تحلیل و ارزیابی منافع، برای یافتن «نزدیک‌ترین و مهم‌ترین» عامل ارتباطی از میان عوامل ارتباطی که بتواند نفع حداکثری و ملاحظات خط‌مشی راهبردی اقتصادی مقرر دادگاه را تأمین کند شناسایی نماید. در صورتی که نفعی برای مقرر دادگاه در مسئله‌ای وجود نداشته باشد، باید با توجه به ملاحظاتی که عمدتاً اقتصادی است، مانند اینکه رسیدگی به وضعیت مالی راهن در محل سکونت عادی وی مهم‌ترین ویژگی تلقی شود و یا رسیدگی به فرایند ورشکستگی وی در محل سکونت عادی وی سریع‌تر و آسان‌تر از سایر نقاط تلقی شود، نزدیک‌ترین عامل ارتباطی به قرارداد رهن حقوق مالکیت صنعتی مانند اختراع و علامت تجاری، محل سکونت عادی راهن، ملاک قرار گیرد. به‌عنوان یک پیشنهاد به قانون‌گذار، می‌توان مجموعه‌ای از عوامل ارتباطی مانند «محل ثبت قرارداد، محل انعقاد قرارداد و یا محل اجرای قرارداد» را که برای ارزیابی و تحلیل نفع مقرر دادگاه مؤثر واقع شوند را معرفی نمود تا در اختیار دادرس یا داور باشد و چنانچه مقرر دادگاه رسیدگی‌کننده فاقد نفعی باشد، محل سکونت عادی راهن، مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عامل ارتباطی به قراردادهای رهن اموال فکری معرفی گردد. نکته آخر اینکه، در فرض تعارض قوانین قراردادهای رهن حقوق مالکیت فکری مانند حقوق مالکیت صنعتی که حمایت از آن‌ها مستلزم رعایت تشریفات ثبتی است و لزوماً در هر کشوری بنا به اصل سرزمینی بودن حق، با ثبت به رسمیت شناخته می‌شوند، در مسأله «وجود، اعتبار و حقوق ماهوی» حق باید از سایر موضوعات مرتبط با تعهدات قراردادی و حقوق ناشی از قرارداد رهن آن‌ها تفکیک شوند. برای مثال، پیشنهاد می‌شود مقرر گردد که: «قانون حاکم بر مسأله وجود، اعتبار و قلمرو حقوق مالکیت صنعتی، محل درخواست حمایت باشد». عامل ارتباطی «محل درخواست حمایت» در حقوق مالکیت صنعتی، به دلیل ارتباط مستقیم با محل ثبت قرارداد، نزدیک‌ترین و مهم‌ترین عامل ارتباطی در این موارد می‌باشد. در اکثر رویکردهای بین‌المللی اخیر این عامل ارتباطی مورد توجه قرار گرفته است. در پایان، لازم است یادآوری گردد که بازبینی قواعد حل تعارض قوانین موجود در نظام حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، باید با در نظر گرفتن تحولات اخیر، در دستور کار قانون‌گذار قرار گیرد.

منابع

- اخلاقی، بهروز، «بحثی پیرامون توثیق اسناد تجاری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۲۴ (۱۳۶۸).
- ارفع‌نیا، بهشید *حقوق بین‌الملل خصوصی، تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها*، (تهران: انتشارات بهتاب، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۷۶).
- امامی، سیدحسین، *حقوق مدنی*، (تهران: انتشارات اسلامی، جلد دوم، چاپ دهم، ۱۳۸۲).
- انصاری، مهدی، *تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها*، (تهران: انتشارات جاودانه (جنگل)، چاپ دوم، ۱۳۹۳).
- ایرانپور، فرهاد، «اهلیت تمتع خارجی‌ها در حوزه حقوق بر آفرینش‌های فکری»، *فصلنامه حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۴۲، شماره ۴ (۱۳۹۱).
- ایرانپور، فرهاد، معلی، مهدی، «مبانی حقوق بر آفرینش‌های فکری»، *فصلنامه حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، شماره ۸ (۱۳۸۹).
- ایرانپور، فرهاد، *نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی: تحول از نظام‌های حقوق ملی به سوی نظام حقوق فراملی*، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش چاپ اول، ۱۳۹۰).
- باقری، محمود و احدزاده، عباس، «قابلیت اعمال تئوری تحلیل منافع عمومی در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۴، شماره ۲ (۱۳۹۳).
- بجنوردی، سید محمدحسین، *القواعد الفقهیه، تحقیق: مهدی مهریزی و محمدحسین دراینی*، (قم: هادی، جلد ششم، چاپ اول، ۱۴۱۹).
- بهمئی، محمدعلی و شیخ‌عطاری، حسنی، (۱۳۹۷): «قابلیت داوری دعاوی حقوق مالکیت فکری نیازمند ثبت»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۸۵.
- جنیدی، لعیا، *قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی*، (تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۶).
- حبیبیا، سعید و شعبانی کندسری، هادی، «بازپژوهشی نقش قبض در وضعیت رهن؛ مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه»، *آموزه‌های فقه مدنی*، شماره ۱۴ (۱۳۹۵).
- حسینی سیستانی، سید علی، *منهاج الصالحین*، قم: مکتبه آیه‌العه‌ظمی سید علی حسینی سیستانی، جلد دوم، چاپ اول، ۱۴۱۶.
- حکمت‌نیا، محمود، *مبانی مالکیت فکری*، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷).

حلی، ابی طالب محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر (فخر المحققین)، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، تحقیق: کرمانی و اشتهاوردی و بروجردی، (طبع بامر، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۸۷).

سلطانی، محمد و اخوان هزاوه، حامد، «ماهیت و قواعد حقوقی توثیق سهام»، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۱۷، سال پنجم (۱۳۹۱).

شمس، عبدالله، *اجرای احکام مدنی*، (تهران: انتشارات دراک، جلد دوم، چاپ سوم، ۱۳۹۸).
شیروی، عبدالحسین و پنداشته پور، محمدرضا، «عامل ارتباط در شناسایی قانون حاکم بر قراردادهای اموال فکری»، *مجله حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران*، دوره ۱۲، شماره ۱ (۱۳۹۴).

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تحقیق: سید محمد تقی کشفی، (تهران: نشر المکتبه المرتضیه لاحیا الاثار الجعفریه، جلد دوم، چاپ سوم، ۱۳۸۷).
عاملی، زین الدین بن علی، *حاشیه شرائع الاسلام*، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم، جلد اول، چاپ اول، ۱۴۲۲).

عاملی، زین الدین بن علی، (شهید ثانی)، *فی شرح اللمعه الدمشقیه*، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۱).

قمی سبزواری، علی بن محمد بن محمد، *جامع الخلاف و الوفاق*، تحقیق: شیخ حسین حسینی بیرجندی، (قم: زمینه سازان ظهور امام عصر، چاپ اول، ۱۳۷۹).
کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (عقود اذنی، وثیقه های دین)*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴.

کرکی، ابوالحسن علی بن حسین (محقق ثانی)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، (بیروت: مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸).
کریمی، عباس و معین الاسلام، محمد، «رهن اموال فکری»، *فصلنامه حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۳۸، شماره ۲ (۱۳۸۷).

الماسی، نجادعلی *حقوق بین الملل خصوصی*، (تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۴).
الماسی، نجادعلی و احدزاده، عباس «نقش اصول بین المللی حمایت از مالکیت فکری برای انتخاب قانون حاکم بر نقض حق مالکیت فکری»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۶، شماره ۳ (۱۳۹۵).

محقق ثانی، ابوالحسن علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، (بیروت، مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸).

- محمودی، اصغر، «رهن اموال فکری در پرتو مقررات قانون مدنی و مطالعه تطبیقی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۱ (۱۳۹۱).
- موسوی خمینی، سید روح‌اله، *تحریر الوسیله*، (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹).
- نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، (بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱).

References

- Akhlagi, B. (1989). "Discussion around Security for commercial papers". Faculty of Law and Political Science of Tehran University Journal, No. 24. [In Persian]
- Almasi, N.A. and Ahadzadeh, A. (2016). "The Role of International Principals of Intellectual Property Protection on Governing Law Selection", Private Law Studies, Tehran: University of Tehran, Vol.46, No.3. [In Persian]
- Almasi, N.A. (2005). "Private International Law" third Edition, Tehran: Mizan Publication. [In Persian]
- Ameli, Zein-al-din ben Ali, (Shahid Sani), (2001), "Hasheih Sharaye-al-Eslam", Vol.1, First Edition, Qom: Islamic Propaganda Office.. [In Arabic]
- Ameli, Zein-al-din ben Ali, (Shahid Sani), (1990), "Fi Sharh-al- Lomeh-al-Dameshgeih", Beirut: Dar-al-Ahia-al-Toras-al-Arabi, (In Arabic)
- Ansari, M. (2014). "Economic Analysis of Contract Laws", Second Edition, Tehran: Javdaneh Publictaion (Jungle). [In Persian]
- Arfania, B. (1997). "Private International Law: Conflict of Laws and Conflict of Jurisdictions" Volume 2, Second Edition, Tehran, Behtab Publication. [In Persian]
- Bagheri, M and Ahadzadeh, A. (2014). "Applicability of Public Interest Analysis in Infringement Cases of Intellectual Property Law", Quarterly Private Law Studies, Tehran: University of Tehran, Vol.44, No.2. [In Persian]
- Bagheri, M. and Chizu N. (2002). "The private international law of securities transactions: a socio- economic analysis", The Company Lawyer, Vol. 23, No.1 .
- Bahmaei, M. A. and Sheikh-Attar, H., (2018). "The Arbitrability of Disputes Concerning Registered Intellectual Property Rights", International Law Review, Vol.35, No.58. [In Persian]
- Bariatti, S., (2010). "The Law Applicable to Security Interests in Intellectual Property Rights", Journal of Private International Law, 6:2.
- Bojnourdi, S.M.H., (1998), "Al- Ghavaed-al-Feghheih", Vol.6, 6th Edition, Researched by: Mehrizi, M. and Draiani M.H., Qom: Hadi Publication.. [In Arabic]
- Campbell Connelly & Co Ltd v Noble [1963] 1 All ER 237, [1963] 1 WLR 252 .

- Carruthers, J.M.,(2005). “*The Treansfer of Property in The Conflict of Laws*”, Oxford University Press,.
- Corcovado Music Corp. v. Hollis Music, Inc. 981 F.2d 679 (2d Cir. 1993).
- Currie, Brainerd(1958). “*The Constitution and the Choice of Law: Governmental Interests and the Judicial Function*,” University of Chicago Law Review 9.
- Dicey, Morrise and Collins,(2018). “*The Conflict of Laws*”, 15th Edition, Sweet & Maxwell,.
- Edith P.,(1980).“*The Austrian Codification of Conflicts Law, The American Journal of Comparative Law*”, Vol. 28, No. 2 .
- EEC Convention on the Law applicable to Contractual Obligations, [1980] OJ L266/1.
- Eechoud, M.V.,(2003). “*Choice of Law in Copyright and Related Rights: Alternatives to the lex protectionis*”, Kluwer law International, 2003.
- Emami, H.(2003).”*Civil Law*” Vol. 2, 10th Edition, Tehran: Eslamieh Publication. [In Persian]
- Fawcett, J. J. and Torremans, P.,(2011). “*Intellectual Property and Private International Law*”, (2nd Edition), Oxford Private International Law Series.
- Getty Images (US) Inc v Advernet Inc f/k/a VR Marketing Inc 2011 WL 2732202.
- Ghomi Sabzevari, Ali ben Mohammad,(1958),. “*Jame-al-Khalaf va Alvefagh*”, First Edition, Researched by: Sheykh Hosein Hasani Birjandi, Qom, Zamineh Sazan Zohor Emam Asr Publication.. [In Arabic]
- Great Clips Inc v Hair Cuttery of Greater Boston LLC and Great Cuts Inc 2009 WL 458554 (D Mass).
- Habiba, S. and Shabani, K.H., (2016). “*Re-Examining the Role of Taking Possession in The Mortgage situation: Comparative Study in Islam(Sharia), Iran and French Law*”, Civil Jurisprudence Doctrines, Razavi University of Islamic Sciences, Vol.8, No. 14. [In Persian]
- Hekmatnia, M., (2008), “*The Theoretical Foundations of Intellectual Property*”, Second Edition, Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.
- Helli, (Fakhr-al-Mohagegin),(1966), “*Izah-al-Favaed fi Sharh Eshkalat-al-Ghavaed*” Vol.2, First Edition, Researched by: Kermani, Eshtehardi, and Broujerdi, Bamer Publication.. [In Arabic]
- Hill Kay, H.,(2001). “*Currie’s Interest Analysis in the 21th Century: Losing the Battle, But Winning the War*”, 37Willamette L. Rev. 123 .
- Hoseini Systani, S.A.,(2005), “*Menhaj –al- Salehin*”, Vol.2, First Edition, Qom: Maktab Ayatollah –al- Ozma Hoseini Sistani, S.A. Publication.. [In Arabic]
- https://www.ip.mpg.de/fileadmin/ipmpg/content/clip/the_draft-clip-principles-25-03-20117.pdf
- https://www.uncitral.org/pdf/english/texts/security-1g/e/10-57126_Ebook_Suppl_SR_IP.pdf
- <https://www.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/us/us218en-part2.pdf>

- Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law, AND Judgments in Transnational Disputes, American Law Institute(ALI), 2008, available in : <https://www.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/us/us218en-part2.pdf>
- Iranpour, F and Moalla, M.,(2010). “*Legal Bases of Intellectual Works*”, Private Law Studies, Tehran: University of Tehran, Vol.40, No.8. [In Persian]
- Iranpour, F., (2012),” *The Enjoyment Capacity of Foreigners on Intellectual Property Rights*”, Private Law Studies, Tehran: University of Tehran, Vol.42, No.4. [In Persian]
- Iranpour, F.,(2011),”*The Legal Structure of International Commercial Contracts: from National Legal Orders to Transnational Legal Order*”, First Edition, Tehran: The Shahr-e-Danesh Institute of Law Publication. [In Persian]
- Joneidi, L.,(1997), “*Applicable Law on International Commercial Arbitration*”, First Edition, Tehran: Dadgostar Publication. [In Persian]
- Karaki, (Mohagheg Sani),(1987),. “*Jame-al-Maghded fi Sharh-al-Ghavaed*”, First Edition, Beirut: AL-OL-Beyt Al-Ahia-al-Toras-al-Arabi Institute Publication,(In Arabic)
- Karimi, A and Moin-al-Eslam, M.,(2008) “*The Pledge of Intellectual Property Rights*”, Quarterly Private Law Studies, Tehran: University of Tehran, Vol.38, No.2. [In Persian]
- Katouzian, N.,(1985) “*Civil Law: OGHOD MOAYYAN 3*” First Edition, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Mahmoudi, A., (2012)“*Intellectual Property Mortgage in the Light of the Provisions of Civil Law and Comparative Study*”, Quarterly Comparative Law Researches, Vol. 16, No.1, Tehran: University of Tarbiat Modares. [In Persian]
- Modiano, G.,(1980), “*International Patent Licensing Agreements and Conflict of laws*”, Northwestern Journal of International Law & Business, Volume 2, No.1.
- Mousavi Khomeini, S.R.A.,(1958), “*Tahrir-al-Vasileh*”, First Edition, Tehran: Institute of Setting and Publishing of Emam Khomeini’s Works.. [In Arabic]
- Najafi, Mohammad Hasn ben Bagher.,(1981), “*Javaher-al-Kalam fi Sharh Sharaye –al-Islam*”, 7TH Edition, Beirut: Dar-al-Ahia-al-Toras-al-Arabi.. [In Arabic]
- Palmer, E., (1980), “*The Austrian Codification of Conflicts Law*”, The American Journal of Comparative Law, Vol.28,No.2 , Published by; Oxford University Press.
- Principles on Conflict of Laws in Intellectual Property, European Max Planck Group on Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP),2011, available in:
https://www.ip.mpg.de/fileadmin/ipmpg/content/clip/the_draft-clip-principles-25-03-20117.pdf

- Regulation (EC) No 593/2008 of the European Parliament and of the Council of 17 June 2008 on the law applicable to contractual obligations (Rome I), [2008] OJ L177/6.
- Shams, A.,(2019), “*Execution of Civil Judgments*”, Vol. 2, Third Edition, Tehran: Drak Publication. [In Persian]
- Shiravi, A.H. and Pendashtehpoor, M.R.,(2015) “*Connecting Factors in Identifying the Law on Intellectual Property Contracts*”, Vol.12, No.1, Journal of Private Law, University of Tehran. [In Persian]
- Soltani, M. and Akhavan Hazaveh, H., (2012) “*Legal Nature and Rules of Giving Shares as Security*”, Vol.5, No. 17, Tehran: Quarterly Journal of Securities Exchange. [In Persian]
- Symeonides, S., (2008), “*American Private International Law*”, Kluwer Law International.
- The Korean Principles on International Intellectual Property Litigation (‘Korean Principles’).
- The Uniform Commercial Code, available in:
<https://www.uniformlaws.org/acts/ucc>
- Tousi, Mhammad Ben Hasan(Sheykh Tousi),(1966), “*Almabsout fi Feghh-al-Emamyeh*”, Researched by: Kashfi, S.M., Vol.2, Third Edition, Tehran: Almaktab-al-Mortezeih-le- Ahia-al-Asar-al-Jafareih.. [In Arabic]
- Ulmer, E.,(1978) “*Intellectual Property Rights and the Conflict of Laws*”, Kluwer, Netherlands.
- Uncitral Legislative Guide on Secured Transactions(Supplement on Security Rights in Intellectual Property), United Nations, New York, 2011, available in: https://www.uncitral.org/pdf/english/texts/security-lg/e/10-57126_Ebook_Suppl_SR_IP.pdf.